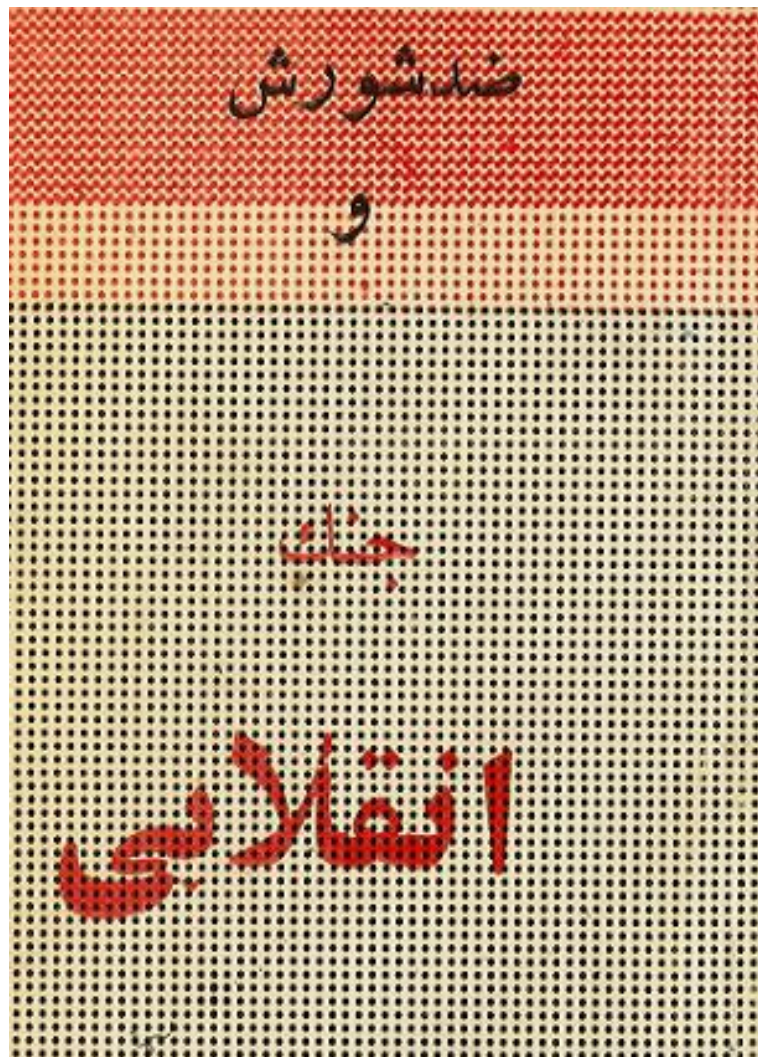


کامیلیو تورس : ضد شورش یا جنگ انقلابی [ 1 ]



از انتشارات  
سازمانهای صیبه ملی ایران در خارج از کشور  
بخش خاورمیانه

فهرست مطالب

۳	ص	* <u>بيك نكته و چند اشاره</u>
۱۳		* <u>مشكلات مربوط به رهائي کشورهای آمريکاي لاتين</u>
۱۸		<u>عليات مدني .</u>
۲۱		<u>عليات نظامي :</u>
۲۱		۱ - تعيين محل و موضع کردن
۲۳		۲ - تماس مستقيم
۲۵		۳ - بسته آوردن يا زله کردن :
۲۸		- ارتش در يك کمين بدام مي افتد
۳۱		- کشف کمين
۳۲		- حيله های ديگر
۳۳		۴ - محاصره استراتژيکي
۳۴		۵ - عمل اشباع کردن
۳۶		<u>حالي ترين درجه تاکتيکهای " ضد شورش " براي نابود کردن .</u>
۳۶		- کمين يا دام گستری
۳۸		- محاصره تاکتيکي
۴۰		<u>نظم شیوه های مورد اجرا بوسيله ضد چريکيد در حال مبارزه با يك جبهه چريکي :</u>
۴۱		- زيرکي و رخنه گری
۴۱		- عليات مدني
۴۲		- محاصره استراتژيکي
۴۲		- موقعيت قبل از تماس - اتمي يا برنامهدار له کردن بسته آوردن
۴۳		- عمل اشباع کننده
۴۳		- جنگ رواني

- ۴۰ حواشی مربوط به پیشگفتار و مشکلات مربوط به راه‌های کشورهای امریکای لاتین.
- ۵۵ \* جنگ انقلابی
- ۶۲ حواشی مربوط به "جنگ انقلابی"
- ۶۵ \* حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما
- ۶۵ تعلیم و تمرین ، و تسلیح یک جبهه چریکی .
- ۶۹ آمادگی تکمیلی منطقه "تهیه و آماده شده" .
- ۷۱ تجهیزات لازم برای جهل چریک :
- ۷۱ - سلاحها
- ۷۲ - کوله پشتی
- ۷۴ - کفشها
- ۷۴ - البسه
- ۷۵ - پارچه نفوذ ناپذیر
- ۷۵ - اشیاء مورد نیاز دیگر
- ۷۶ - داروها
- ۷۸ کوره راه چریکی و تدابیر احتیاطی علیه حمله به اردوگاهها .
- ۸۶ تدابیر لازم علیه تعیین محل و موضع کردن و رخنه گری .
- ۹۷ تدابیر لازم علیه موقعیت قبل از تماس اشیاء با برنامه‌ها که کردن و مستوف آوردن
- ۱۰۷ تدابیر لازم علیه کمین ، محاصره ، ویراکنده گری .
- ۱۱۲ - کمین بر علیه ارتش
- ۱۱۲ - در اردوگاه
- ۱۱۷ - وقایع احتمالی دیگر ، و احتیاط کاریهای لازم دیگر
- ۱۲۰ - صبر از رودخانه ها
- ۱۲۱ رد پاها و نشانه ها ، و تهیه آذوقه .

۱۳۱	حواشی مربوط به "حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما"
۱۳۸	<u>« متفرق کردن نیروهای دشمن »</u>
۱۶۰	<u>کمین های نابود گرانه</u>
۲۰۹	<u>حواشی مربوط به "متفرق کردن نیروهای دشمن"</u>
۲۲۳	<u>« ساختن يك نیروی عقیدار »</u>
۲۲۳	<u>منطقه جنگ چریکی</u>
۲۲۵	<u>منطقه تهیه و تدارك شده</u>
۲۳۲	<u>پایگاه های چریکی</u>
۲۳۶	<u>تعیین محل و موضع شدن و دفاع از پایگاه چریکی</u>
۲۸۰	<u>حواشی مربوط به "ساختن يك نیروی عقیدار"</u>
۲۹۰	<u>« دنبال کردن کلیه اشکال مبارزه شهری »</u>
۲۹۰	<u>رابطه شهر و روستا</u>
۲۹۷	<u>ساختمان دادن و وظائف</u>
۳۰۶	<u>حواشی مربوط به "دنبال کردن کلیه اشکال مبارزه شهری"</u>

## يك نکته و چند اشاره

پس از انقلاب كوبا ، كتابهای بشمارى در باره چگونگى وقوع اين "معجزه" منتشر شد . پس از شكست و ناکامى بسيارى از جنبشهای اميد بخش اين قاره نيز آثار متعددى براى جواب باين سؤال اساسى : چرا اين تجربيات شكست خورد ؟ انتشار يافت .

پابلو تورس البته در كتاب " ضد شورش و جنگ انقلابى " با شيوه‌اى غير مستقيم و مبهمى كلى تر به "چرا"ى اخيرالذکر جواب مى دهد ؛ ولى در ضمن ، و خصوصا جواب باين جزاى مهمتر را فراموش نمى كند : پيروزى از چه راهى امكان پذير است ، و عوامل مادى و معنوى آن کدامند ؟ ارزش و اهميت قابل توجه اين كتاب در همينجاست .

با مطالعه " ضد شورش و جنگ انقلابى " است كه مشاهده مى كنيم : مبارزات مسلحانه بوسيله بسيارى از واحدهاى چريكى در كورهای سه قاره آسيا ، افريقا و امريكاي لاتين ساده تلقى شده است . و جواب بسيارى از ناکامى ها را در اين ساده تلقى كردن ها بايد جستجو كرد . بطوريكه پابلو تورس در "ضد شورش و جنگ انقلابى" نشان مى دهد : جنگ انقلابى ، يك فن ، يك علم است . بايد اصول اوليه و دقيق حتمى آنها آموخت ، و قبل از دست زدن بهر نوع مبارزه مسلحانه ، با دقت و ريزه كارى و بدون شتابزدگى ، مقدمات آنها تهيه و تداركديد . از خود گذشتگى و فداكارى بتنهائى كافى نيست . و بطوريكه خواهيم ديد دشمن جنگ چريكى را يك فن ، يك علم تلقى كرده ، تمام دقيق و ريزه كارىهاى آنها از نظر تئورى و عطلى فرا گرفته است ؛ و آموخته هاى خود را با دقت و زيركى بكار ميبرد . پابلو تورس

در این کتاب بدرستی اشاره می‌کند ؛  
 "پیش‌بینی کردن موقعیتها ، وسیله‌ای مطمئن تر از علاج کردن آنهاست .  
 خطر ضد چریک ، بیشتر در عدم قدرت پیش‌بینی چریکها وجود دارد تا  
 در حضور او ( ضد چریک )".  
 دشمن صرفنظر از امکانات عظیم ؛ در زمینه جنگهای چریکی و مبارزات  
 مسلحانه ، اطلاعاتی وسیع ، عمیق و دقیق دارد ؛ تکنیکها و تاکتیکهای  
 آنرا بخوبی می‌شناسد . پس لازمست که گروههای مسلح نیز تکنیکها و  
 تاکتیکهای ضد چریک را بخوبی بشناسند . بطوریکه در یکی از حاشیه‌ها  
 کتاب توضیح داده‌ایم عوامل کفی : تعداد چریکها و میزان اسلحه و  
 تجهیزات آنها ( که پابلوتورس ، بحق در مورد آنها بسیار تکیه کرده است ) البته مهم<sup>ست</sup>  
 ولی آنچه مهم‌تر و تعیین‌کننده است عوامل کیفی از قبیل : آشنائی عمیق با تکنیک و تاکتیکها<sup>ی</sup>  
 جنگ چریکی ( و نیز تکنیک و تاکتیکهای ضد چریک ) ، تجربه ، هشیاری ، زیرکی و بکار  
 گرفتن بجا و بموقع حربه غافلگیری می‌باشد . نباید هیچوقت فراموش کرد  
 که جبهه‌های چریکی در بهترین حالات و شرایط نمی‌توانند از نظر  
 " عوامل کفی " از دشمن جلو بیفتند . مضافا اینکه اگر عوامل کفی بتنهائی  
 کافی می‌بود - با توجه باینکه دشمن بوفور از آنها برخوردار است -  
 پیروزی در جنگهای چریکی تحقق پذیر نمی‌نمود ؛ و بقول یکی از رهبران  
توپاماروها برای امپریالیسم امریکا و دست‌نشانده‌های محلی آن اینهمه  
 " گرفتاری " و " دردسر " در سه قاره امریکا ، افریقا و آسیا ایجاد نمی‌شد .  
 بی‌جهت نیست که پابلوتورس - که عقده آنها امیدهای برباد رفته  
 در امریکای لاتین را در این کتاب خالی می‌کند - اینهمه بروی تکنیک و  
تاکتیک ها ( و نیز خصوصا شناخت تکنیک و تاکتیکهای ضد چریک ) ، زیرکی  
و گوش‌بزننگ بودن ، تعلیم و تمرین ، تجهیزات و اسلحه ، تعیین محل

و موضع نشدن (یعنی هدف و شکار خوبی برای دشمن فراهم نکردن) و اجتناب از ثابت نگه داشته شدن تکیه می‌کند. در یک کلمه باید گفت: تا وقتی که اوضاع و احوال و شرایط عینی از هر جهت برای یک کمین نابود - گرانه فراهم نشده است، واحد چریکی باید بهر نحوی شده از مقابل دشمن فرار کند؛ خیالبافی‌ها، قهرمان نمایی‌ها، احساساتی شدن‌ها، میوه‌ای جز شکست واحد چریکی به بار نمی‌آورد.

راقول کاسترو و تئیکه در باره یک جبهه مسلح حرف می‌زند، آنرا بدینگونه تشریح می‌کند: موتور کوچکی که می‌تواند موتور بزرگ انقلاب را بسراه ببندازد. در درست بودن این حرف - البته بشرط آماد بودن شرایط - عینی و ذهنی انقلاب - تردیدی وجود ندارد. انقلاب کوبا یک نمونه روشن آن بشمار میرود. ولی تمام مسئله بروی خوب و دقیق کار کردن این موتور کوچک است. اگر این موتور کوچک، خوب و بی نقص کار نکند؛ موتور بزرگ یا براه نخواهد افتاد، و یا در بین راه متوقف خواهد شد. و نکته در همینجاست.

این کتاب یک اثر تکنیکی و ایدئولوژیکی است، نه در زمره کتابهای از نوع "علوم بزرگان ساده" بمفهوم خاص عبارت؛ از این نظر نباید با ذهنی آسان طلب با آن مواجه شد. بویژه به علاقمندان و کسانی که در صدد بهره برداری از تعلیمات آن هستند، توصیه می‌شود که با دقتی خاص آنرا مورد مطالعه قرار دهند؛ برپاره‌ای از مطالب و عبارات مشکل‌ویچیده آن مکتب کنند، نه تنها سطور پس و پیش آن عبارت یا مطلب را بخوانند و باز بخوانند؛ بلکه صفحات ماقبل و مابعد آنرا نیز بخاطر بیاورند، و اینهمه را بهم ربط دهند.

مضافاً تا آنجائیکه تعهد اخلاقی مترجم در حفظ امانت ترجمه اجسازه

می‌داد ( نه تنها تعهد اخلاقی مترجم در مقابل خودش و در مقابل نویسنده ، بلکه بویژه در مقابل کسانی که از این تجربیات و تعلیمات در فضل استفاده خواهند کرد ، حکم می‌کرد که امانت در ترجمه حفظ شود ) ، کوشیده است که ترجمه فارسی را از متن فرانسه آن ساده‌تر کند . در پاره‌ای موارد با افزودن حواشی ( غیورحواشی نویسنده اصلی ) ، بویژه با افزودن پرانتزهای متعدد در متن ترجمه ( با ذکر مخفف مترجم و یا بدون ذکر آن ) ، سعی کرده است که بفهم بیشتر کتاب کمک کند .

پرانتزهایی که در متن اصلی وجود داشت یا آنها را بین — — و یا بین ( ) قرار داده‌ایم . از دو خط تیره ، همچنین برای شکستن جملات طولانی متن اصلی استفاده کرده‌ایم . هر جا که تشخیص داده‌ایم تغییرات شکلی عبارت و علامت‌گذاریها در فهم مطلب کمک میکند ، در تفسیر آنها تردید بخود راه نداده‌ایم . مثلاً بکرات جای و را با ؛ یا با . و بالعکس عوض کرده‌ایم . زیرا هدف اولیه ما در ترجمه این اثر ، هر چقدر بیشتر قابل فهم و استفاده بودن آن بوده است . باز در این رابطه برای جبران نقائص رسم‌الخط زبان فارسی ، به وفور از علامت زیر یا کسره استفاده کرده‌ایم . گرچه نظر بعضی از رفقا تا حدی درست باشد که : ما در این زمینه راه اغراق را در پیش گرفته‌ایم ؛ و توضیح میدهند که : در زبان فارسی ما عادت کرده‌ایم که بسیاری از این عبارات را بدون همزه و کسره نیز درست بخوانیم . ولی چون هدف عمده ما درست خواندن ، اجتناب از بازخوانی‌های يك عبارت ( برای اینکه نحوه درست خواندن عبارت پیدا شود ) بوده است ، این اتهام به " اغراق " و " زیاده روی " را ( که قبول داریم در بسیاری موارد درست جلوه میکند ) پذیرفته‌ایم . زیرا



برای همه ما - نه بعنوان نویسنده یا مترجم يك نوشته ، بلکه بعنوان خواننده آن نوشته - بکرات پیش می آید که يك عبارت را چندین بار بخوانیم تا شکل درست خواندن آنرا پیدا کنیم و در نتیجه به فهم مطلب دست یابیم . در حالیکه وجود همین کسر یا همزه ها ، لااقل از این اتلاف وقت جلوگیری بعمل می آورند .

ترجمه چنین اثری دشوار ، بدون تردید نمیتواند از نقص برگذار باشد . در واقع در ترجمه آثاری از این قبیل لا زمست که با همکاری و یا حداقل با مشورت و همفکری چند تن از افراد صاحب نظر در رشته های علمی بویژه نظامی صورت گیرد . زیرا حل همه مسائلی کلفیات ، اصطلاحات و مفاهیم تخصصی علمی ، فنی ، سیاسی ، نظامی ، چریکی و غیره دشوار میگردد بسیار دشوار است . با اینحال ، طبرقم ایسن مشکلات ، و مشکلاتی که در زیر بدانتها اشاره می شود ، گوشش شده است که تا حد امکان کاری کسم نقص تراژسه شود . از این که بگذریم ، باید بفکر زبان فارسی در زمینه اصطلاحات و مفاهیم جدید علمی ، فنی ، نظامی و غیره اشاره کرد . این فقر بویژه در زمینه اصطلاحات و مفاهیم انقلابی و چریکی بیشتر محسوس است ، و معادلهای فارسی در این زمینه در حکم صفر صی باشد . طت آن روشن است برزیم ( که کتابها ، مطبوعات ، رادیوها و تلویزیونها را در اختیار و تحت کنترل شدید خود دارد ) ، با تمام قدرت از ورود این اصطلاحات و مفاهیم " ضاله و آشوبگرانه " در زبان فارسی جلوگیری می کند .

دیگر اینکه بعلمت عدم دسترسی بفرهنگهای مناسب ، یا بعلمت ناقص بودن فرهنگهای مورد دسترسی ، و یا در بسیاری موارد بدلیل فقدان معادل

های درست و دقیق و مناسب در زبان فارسی؛ هر جا که احتمال گمراه شدن خواننده می‌رفت، مترجم - تا آنجا که بذهنش می‌رسید - يك معادل فارسی انتخاب کرده و در ضمن ( برای جلوگیری از سردرگم کردن خواننده ) اصل فرانسه آنرا در مقابلش قرار داده است. ترجمه غیر دقیق یا مشکوک بعضی از واژه‌ها یا اصطلاحات ( بطوریکه در ضمن مطالعه کتاب متوجه خواهید شد )، کاریست بنحو جبران ناپذیری خطرناک و گمراه کننده؛ از این نظر مترجم بدریافت و استنباط شخصی خود (حتی در مواردی که بیان اطمینان نسبی داشتیم) اعتماد نکرد، و در کنار معادل نسبی فارسی، اصل فرانسه اصطلاح یا واژه را نیز قرار داد. و بالاخره در مواردیکه مترجم ( بدلائل ذکر شده در فوق ) از ارائه دادن يك معادل فارسی مناسب عاجز بود، بجای بدست دادن يك معادل اشتباه آمیز و گمراه کننده، ترجیح داد تنها بذکر اصل فرانسه اصطلاح یا واژه اکتفا کند.

حواشی مربوط به هر قسمت، در آخر همان قسمت اضافه شده است؛ فسه در ذیل صفحات و یا در آخر کتاب. در حواشی، توضیحات مترجم‌ها حرف می‌شخص شده‌اند؛ و در بقیه موارد، توضیح از طرف نویسنده کتاب می‌باشد.

" ضد شورش و جنگ انقلابی " اختصاصاً برای مهارت‌های چریکی در امریکای لاتین نوشته شده است، از این نظر مواردی در آن بچشم می‌خورد که با توجه بشرايط و اوضاع و احوال کشورهای دیگر (از جمله ایران) شایسته تغییرات جزئیست؛ و نیز موارد نصادری که مطلقاً قابل پیروی

نیست (مثلا دستوراتی که در مورد غذای چریکها و اجزاء متشکله آن می‌دهد)، زیرا که انحصارا در فضای جغرافیائی کشورهای امریکای لاتین معتبر است. از این ملاحظات کوچک که بگذریم، با توجه به تشابهات مختلف اوضاع جغرافیائی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره کشورهای این قاره با کشورهای نظیر ایران، تعلیمات آن بطور وسیع می‌تواند در مبارزات چریکی و جنگ انقلابی مورد استفاده قرار گیرد.

پابلو تورس با نیت مقدس کمک بجنیشهای رهائی بخش — بویژه در امریکای لاتین — بنگارش این اثر با ارزش دست یازیده است، و ترجمه آن بفارسی نیز با یک چنین نیتی صورت گرفته است. در جائیکه شریف تریسن و فداکارترین فرزندان وطن، در مقابل هراسناک‌ترین و اهریمنی‌ترین جلادان تاریخ و دشمنان بشریت قهرمانانه مبارزه می‌کنند، وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را متحمل می‌شوند، و تا پای مرگ در صداقت و ایمان و شرف خود، و در اصالت و درستی و برحق بودن راه خود تردید نمی‌کنند؛ زحمات ناچیزی که برای نوشتن، ترجمه کردن و انتشار دادن آثاری از این قبیل متحمل می‌شویم، در حکم هیچ و بمشابه کمترین دینی است که میتوانیم در مقابل آن شهیدان، و این قهرمانان، و در مقابل خلشق خود ادا کنیم. بیاد جمله‌ای از خوزه مارتسی، یکی از قهرمانان استقلال کوبا می‌افتیم (که چه گوارا، قهرمان دیگر امریکای لاتینی در نوشته خود تحت عنوان: "جنگ چریکی، یک شیوه" آنرا نقل می‌کند): "کسیکه جنگ اجتناب پذیری را در یک کشور علم می‌کند، جنایتکار است؛ اما کسیکه جنگ اجتناب ناپذیری را در یک کشور علم نمی‌کند، نیز جنایت کار بشمار میرود". و ترجمه این کتاب بهمه کسانی تقدیم می‌شود که بجای پرگوئی‌های انقلابی، تجاهل‌العارف‌نمایان

توجیه کردن وحشت ها ، سرپوش گذاشتن به بز دلی ها ، دودستی  
 چسبیدن بمنافع حقیر و دل بستگی های کوچک ، و تن به قضا و قدر دادنهای  
 ایدئولوژیکی ؛ " جنگ اجتناب ناپذیری " را علم می کنند ، زیرا که شریف تر  
 از آن هستند که " جنایتکار " تلقی گردند .

مترجم

ن، و

این کتاب، جنگ‌های انقلابی در امریکای لاتین را مورد بررسی قرار می‌دهد. ما در حال حاضر در يك مرحله بی نهایت دشوار مبارزات چریکی در این قاره قرار داریم، مرحله‌ای که پیشتر از آن تسلیم ناپذیر، و بدور از مصالحه و سازش مجبورند ضمن مقاومت در مقابل حملات گروه‌های نخبه‌ ضد شورش، بار مسئولیت تعهدات انقلابی خود را نیز بدوش بکشند.

پابلو تورس Pablo Torres می‌کوشد که مراحل عالی جنگ انقلابی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد:

۱ - حفظ کردن نیروهای انقلابی

۲ - متفرق کردن نیروهای دشمن

۳ - بر پا کردن يك نیروی عقیدار (۱)

۴ - دنیال کردن تمام شکل‌های مبارزه شهری

پابلو تورس، در این اثر ایدئولوژیکی و تکنیکی خود، تعلیمات ارزشمندی نه تنها از نمونه‌های چینی، ویتنامی، کوبائسی و مبارزه برای استقلال ملت الجزایر به بیرون کشیده؛ بلکه حتی از شناخت کامل خود در زمینه تکنیک‌های ضد شورش و نیز از تجربیات خاص خود بعنوان يك مبارز انقلابی استفاده کرده است؛ و نتایج اینهمه را بما عرضه می‌دارد.

من دنیا را بحرکت و طغیان وا خواهم داشت .  
 ولی تنها آرزوی من این خواهد بود که آنجا ،  
 آخرین تنهٔ درخت ، آخرین مبارز را در آغوش  
 بگیرم : در سکوت بمرم . وقت مردن من از مدتی  
 پیش فرا رسیده است .

و پسران من ، چیزی را که من نتوانسته‌ام بپایان  
 برسانم ، بپایان خواهند رساند .  
 اکنون ، صفوف خود را متشکل کنید . آنچه  
 ملتها را شکل می‌دهد ، چیزی جز از اعماق  
 وجود خود خواستن و آرزو کردن نیست .

خوزه مارتی Jose Marti

## مشکلات مربوط به رهائی امریکای لاتین

در جهان امریکای لاتین ، جنبشهای رهائی بخش بسیاری راه جنگ انقلاب را در پیش گرفته‌اند ، و سازمانهای دیگری خود را برای نبرد آماده میکنند . با افزایش سریع مبارزه طبقاتی ، متقابلاً طبقات باصلاح بورژوازی ملی ، با تحریک و حمایت امپریالیسم یانکی ، صفوف خود را فشرده‌تر کرده‌اند و امید قطع کردن شاهراه تاریخ ، ماشینهای فشار و سرکوب خود را با سرعت سرسام آوری بحرکت در آورده‌اند .

ولی موقعیت برای گروههای مزیت طلب ، مدام در حال وخیم‌تر شدن است ؛ و ترس ناشی از این ، بر خشم و ولع آنها افزوده است . بدینگونه قسمت اعظم دلارهای سرمایه گذاری شده در برنامه " اتحاد برای پیشرفت " مصرفی جز این نداشته است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم بخريد اسلحه و مهمات ، به غنی کردن بورژوازیها بکار رود ، و اصلاحات ارضی و ملی کردنیهای باسهمی ، فایده‌های جز این به بار نیاورده است که سودهای سرشاری برای مالکین بزرگ و شرکتهای امریکای شمالی فراهم کند .

بدتر اینکه ، امروزه بر اثر فقدان برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ، و در مقابل تهدید دائمی يك طغیان توده‌ای ، سرمایه داران کمتر از همیشه سرمایه گذاری کرده و با شتابی زائد الوصف مبالغ هنگفتی را بجاهای

امن یعنی بیانکهای خارجی می‌سیارند . ( ۲ )

در اینحال ، سیاست بازان قاره ، با علم کردن دیوانقلاب ، بمنظور دریا باج و حق السکوت برای ارباب امریکای شمالی خود ، گریه رقصانی می‌کنند ؛ و ارباب نیز ، با توقعات هرچه مهمتر ، با اعمال تضییقات و تحمیل‌های

مالتوزی<sup>(۴)</sup> ایانها پاسخ می‌دهد . بدینگونه با دست‌بدست‌گشتن حکومت، علاوه بر اثبات روحیه برده‌واری فرمانروایان محلی، این نکته نیز آشکار می‌گردد که سیاست بین‌المللی امپریالیست جدید، عبارت از این است که بوسیله مجتمع صنعتی، مالی و نظامی ایالات متحده امریکای شمالی، یعنی پنتاگون، این کشورها را بطور کامل بصورت فرق خصوصی خود درآورد .

غالباً فکر کردن باین مسئله، منطقی بنظر می‌رسد : کسانی که تصمیم گرفته‌اند که یک دشمن هنوز قدرتمند، آگاه و گوش‌بزننگ را از پای درآورند، حقیقت دارند که با فرمولهای مجرد و به شماره‌های پر زرق و برق ولی توخالی دلشان را خوش‌نکنند . مسائل اسمی<sup>(۵)</sup> که در هر لحظه خود نمائی می‌کند، باید بر اساس برنامه‌ای حل و فصل گردد که بطور عینی با نیازهای واقعی منطبق باشد . و در موقع انطباق یک برنامه انقلابی، تحقیق مساوی و بررسی‌های لازم و مداوم در زمینه کلیه مسائل تاکتیکی و استراتژیکی که در جریان یک جنگ توده‌ای ممکنست مستقیماً پیش‌بیاید، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد . بدینگونه با ارزیابی قدرتهای ما و قدرتهای دشمن، از برآورد بیش از حد یا کمتر از حد واقع که ابهام‌عدم فعالیت و شکست را بهمراه می‌آورد، اجتناب خواهیم کرد . این امر حتی ما را ملزم خواهد کرد که موضوعات مختلف فنی (تکنیکی) را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، و بالاخره با سبک و سنگین کردن هاء تکالیف و شیوه‌ها را مورد سنجش قرار دهیم . این یکی از نکات است که در حال حاضر توانائی ما در زمینه آن بشدت دچار محدودیت است . از این که بگذریم ترازنامه کلی، نویسد بخش است و امکانات پنهان و ظهور نیافته‌نشان می‌دهد که دشمن از هم اکنون می‌تواند بشدت آسیب‌پذیر و بسوی شکست نهائی سوق یابد . وقتی که دشمن درباره ضد شورش حرف می‌زند، بمجموعه تدابیر و وسائلی



می‌اندیشد که نیروهای سرکوب در اختیار دارد: یعنی جنگ احتیاطی، جنگ مخصوص، و جنگ محلی؛ خواه بعنوان احتیاط و پیشگیری بسا نیروهای انقلابی بمخالفت بر می‌خیزد؛ خواه برای نابود کردن آنها به راه حل‌های سریع متوسل می‌شود؛ و خواه می‌کوشد که آنها را بتدریج بطرف کهنگی و از مد افتادگی، و در نتیجه خاموشی و سکوت سوق دهد. در شکل کنونی، این تسلط نو استعمار است که بعنوان استراتژی کلی امپریالیسم به ضد شورش حیات بخشیده است که مراحل پی در پی آن عبارتست از جنگ احتیاطی، جنگ مخصوص، و جنگ محلی یا جنگ محدود؛ و اجرا و اعمال آنها بترتیب بتوسعه مشخصی از مبارزه توده‌ای مربوط می‌گردد. بعضی از جنبشهای چریکی این قاره (امریکا)، سابق بر اینها بسا شیوه‌های بسیار نزدیک بشکلهای کنونی جنگ احتیاطی، جنگ مخصوص، و حتی جنگ محلی، دست و پنجه نرم کرده‌اند. اگوستوسازارساندینو (Augusto Cesar Sandino) قهرمان هند و امریکایی و پیشتاز مبارزه رهائی بخش امریکای لاتینی، از پایگاه عملیاتی و لوژیستیکی لاس سگوویاس (Las Segovias) در نیکاراگوئه مدت زمانی بی‌شمار از شش سال پیروزمندانه علیه نیروهای دریائی و هوائی ایالات متحده مبارزه کرده است. در سال ۱۹۵۳ (در کلمبیا) در حد و حد صد جبهه چریکی وجود داشت که بعد اثر خیانت طبقه مزیت طلبی لیبرال "و به صلح متوسل شدن طبقه مزیت طلب محافظه کار" از هم پاشید ه شدند، و از آن پس تند امپریالیستی معمولی بمورد اجرا گذاشته شد، و بعد هابهمین شیوه در گواتمالا، ونزوئلا، پرو و در این اواخر بولیوی بمعنای خاص کلمه جنگ احتیاطی و جنگ مخصوص تولید یافت این دو جنگ در مناطق روستائی کلمبیا تحت عنوان "عملیات مدنی - نظامی" خود را مخفی می‌کند (( که در گواتمالا آنرا "عملیات مدنی و کنترل مناطق" می‌نامند)) که تقریباً اصل

محلی آن سرهنگ والانسبا تووار ( Valencia Tovar ) امضا کننده معاهده صلح " ویشادا " بود که در حال حاضر، فرمانده تیپ پنجم بوکارامانگا است که مأموریت دارد از تشرهائی بخش ملی را در کلمبیا نابود کند .

در حالی که جنگ احتیاطی ( ۵ ) نقش پیشگیری از بروز خطر را با بقتل رسانیدن رهبران ملی ، با نابود کردن کانونهائی که در مرحله جنینسی و شکل گیری قرار دارند ، با رخنه کردن در سازمانهائی انقلابی از قبیل سندیکاها و گروههای دانشگاهی ، ایفاء می کند ؛ جنگ مخصوص وظیفه دارد که بطور مستقیم تر با جبهه های چریکی جنبشهای رهائی بخش ملی مقابله کند . جنگ محدود ، در شرایط خاصی مورد استفاده قرار می گیرد ؛ و آن ، بهنگام عمومیت پیدا کردن وضعیت شورشی است و غالباً این جنگ بوسیله "جبهه های وطن پرست رهائی بخش" رهبری میشود ، و معنای کمک گرفتن از این باصطلاح "جبهه های وطن پرست . . ." اینست که نیروهای سرکوب مروسکان خیمه شب بازی ، شکست خورده و دیگر قادر به مهار کردن جهش انقلابی یک ملت نمی باشند .

باید یاد آوری کنیم که جنگ مخصوص با جنگ رهبری شده بوسیله دستگاہهای الکترونیکی ، از زمره اختراعات بزرگست که در سال ۱۹۶۷ ، امپریالیستها در ویتنام بمورد آزمایش گذاشته بودند و امروزه آنرا در جهان سوم بمورد اجرا می گذارند .

ضد شوری ، شیوه سرکوب سرکرده استعمار جدید ، هارتست از جمیع آوری مجموعه ای از کلیه شناخته های قابل پذیرش در جنگها علیه جنبشهای رهائی بخش ، بویژه جنبشهای رهائی بخشی است که پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمده ، و امپریالیسم را بحال یک موجود مفلوک ، ناامید و در حال احتضار در آورده است .

در ماه مه ۱۹۶۶، رابرت کندی، سناتور ایالت نیویورک، برادر رئیس جمهور مقتول، پس از يك بازدید چند ماهه از بعضی از کشورهای امریکای لاتین، خطاب بمجلس سنای ایالات متحده، نطق پر طمطراق، عوام فریبانه و متناقضی ایراد می کند. به هیجان آمده از کامیابی های انتخاباتی اش، ایسن Gringo<sup>(۶)</sup> خوب و خوش قلب، با زیورآلات ادراکی بارش برده شده از ویلیام جیمز<sup>(۷)</sup> در<sup>(۷)</sup> مشاهده ها و سفارشهای خود بحکومتش در زمینه سیاستی که در امریکای لاتین باید تصقیب شود، مخلوطی از تدابیر ضد انقلابی، بازار آشفته ای از ایدئولوژیهای مختلف را تحت صورت ظاهر اصلاح طلبی ارائه میدهد؛ از جمله: "... چه بخواهیم و چه نخواهیم انقلاب نزدیک میشود، ما می توانیم خصیصه اش را تغییر بدیم ولی در مورد فرونشاندن عطش شرایط اجتناب ناپذیر آن، کاری از دست ما ساخته نیست... امریکای لاتین را در مجموعه اش مورد مشاهده قرار دهید، و آنوقت خواهید دید که برای نیمی از مراسم تدفین، تاهوتبائی بطول کمتر از يك متر و بیست سانتیمتر بکار برده می شود، زیرا که نیمی از مرده ها هنوز بسن چهارسالگی نرسیده اند... يك واقعه بنظرم بروشنی جلوه گر شده است، و این مرا عمیقا تکان داده است: وقتی که موضوع بر سر دانشجویان است، ایده آلیسم فقط برای انگیزه جوئی مفید است... و بجاست که یاد آوری شود: همه آنچه که ما برای تمام کشورهای امریکای لاتین تقاضا می کنیم معادل است با هــزینـه چهار هفته از جنگ ویتنام... کمکهای نظامی ما را در آماده کردن نیروهای ارتشسی امریکای لاتینی، برای ضد شورش جنبشهای چریکی کمونیستها، متمرکز کنید؛ و مضافا متوجه باشیم که بهترین و موثرترین وسیله مبارزه علیه شورش، پیشرفت اجتماعی، سیاسی و سایر اصلاحات اساسی است<sup>(۸)</sup> و در عین

حال، باید بتدریج برای فراهم کردن يك دستگاه ملی، که بتواند در مقابل تهدید انقلابهای کمونیستی در امریکای لاتین بمقاومت برخیزد، تلاش کرد.

در حالیکه هموطن او، سفیر یانکی، "ماکسول تایلور" در کتاب خود تحت عنوان "مسئولیت و پاسخ" چنین می نویسد: "در حالیکه ما بیش از پیش خود را در ویتنام گرفتار میکنیم، متوجه می شویم که جنگ رهائی بخش برای ما خطر وحشتناکی را بوجود آورده است. پس تلاشهای ما باید مصروف بیافتن وسائلی برای مقابله با آن گردد، تا باین افسانه که: جنگی آسیب ناپذیر و شکست ندادنی است، خاتمه داده شود."

دیگر اظهار لحنیه‌های مشابه، همین هدف مشترک را دنبال می‌کند. (۹۱) بدینگونه است که ستیزه جوئی، کلیه انقلابیون را تشویق و ترغیب می‌کند که علیه نیروهای ارتجاع جهانی قند علم کنند، و آنها را وامیدارد که يك مطالعه و بررسی جدی در مورد دشمن بعمل آورند، تا بدینوسیله خط مشی های رهبری کننده مبارزه برای رهائی از قید قومیت را پیدا کرده و ریشه تاریخی داشتن "افسانه" را باثبات برسانند ( اشاره به جمله مذکور در فوق ژنرال تایلور. م.)

بهمین قصد است که از این فصل بعد، مهمترین شیوه‌های مورد عمل نیروهای سرکوب ارتجاع را یاد آور میشویم؛ وسعتی که خواسته ایم بحث خود بدو هم متعاقبا ما را بباز یافتن این شیوه‌ها رهنمون خواهد شد.

#### عملیات مدنی ( یا غیر نظامی ) Action Civile

عملیات مدنی، عبارتست از يك مجموعه تدابیر و اقدامات هوام فریبانه کمپوسیله پزشکان، کمک‌پزشکان، مهندسان، دندانسازان، آرایشگران، موبیان، اصلاحات

ارضی "و اعتبارات بانکی، توسعه و گسترش می یابد؛ اینان در حالیکه بانجام پاره‌ای از کمکها باهالی مشغول میشوند، در عین حال جمع‌آوری اطلاعات و به سازمان دادن شبکه‌های اطلاعاتی مبادرت می‌ورزند. عملیات مدنی، در حقیقت تکمیل کننده سرویسهای مخفی رسمی است که نحوه عمل آن بخاطر یکی از موثرترین اسلحه مبارزه ضد شورشی تلقی شده است. در زمان صلح "عملیات مدنی"، فعالیتهای خود را به تطبیع دستجمعی، محدود کرده و نام عملیات عام و مشترك را بخود می‌گیرد. سازمانهای "ملی" امنیت، مناطق جنگ چریکی احتمالی، با زمینهای بدون مالک را که در جوار مناطقی قرار دارند که در آنها کشمکشهای بزرگ اجتماعی بجشم می‌خورد، بتصرف خود در می‌آورند؛ در دهکده‌ها و دهکوره‌های آن، جاسوسان و ماموران مخفی خود را بعنوان روزنامه‌نگار، زمین شناس، مردم شناس، مامور مراقبت از گاوها و غیره جا می‌زنند. تعداد قابل توجهی از این ماموران و جاسوسان، در دهات پخش میشوند و در آنجا بصورت ظاهر بعنوان کارگران کشاورزی بکار می‌پردازند و معمولاً هر شش ماه به شش ماه بجای آنها افراد دیگری بکار گمارده میشوند. تعداد بسیاری از اینها، تجهیزات مخابراتی در اختیار دارند که آنها را در حول و حوش محل کار خود مخفی می‌کنند؛ این تجهیزات با آنها امکان می‌دهد که با پاسگاههای نظامی یا با نزدیکترین سربازخانه‌ها - معمولاً در اولین ساعات شب - تماس برقرار کرده، حضور آفتمهای غریبه یا گروههای مسلح را در دهکده خبر دهند. گاهی وقتها خودشان را انقلابی جا می‌زنند و عکسهای فیدل یا چه‌گوارا را در بین افراد پخش می‌کنند، و از مردم درخواست همکاری و حمایت و برقراری تماس را می‌نمایند، یا اینکه ادعا می‌کنند که چریک هستند و در ضمن یکی از حملات ارتش

ارتش از یاران خود بدور مانده و پخش و پلا شده‌اند، و از این نظر بکله و یاری تمام رفقای منطقه احتیاج دارند، و ادعاهای دیگری از این قبیل. بعضی از آنها از یکی از فرماندهان چریکی، یا یکی از انقلابیون سرشنا نقل قول کرده و درخواست میکنند که برای پیوستن و ملحق شدن بچریکها مورد حمایت و راهنمایی قرار گیرند، و حرفهایی از این قبیل. از طرف دیگر، این سازمانهای امنیت، جاسوسان داوطلبی در اختیار دارند - از قبیل روستائیان مرفه یا مباشرهای ثروتمند مالکان بزرگ - که بسرعت وضعیتهای غیر عادی را بدستگاه سرکوب خبر میدهند.

شیا" C.I.A. به صلاحیت سرویسهای مخفی محلی، اعتماد چندانی ندارد؛ و رخنه خاص خود را از طریق سفارتخانه‌هایش، مشاوران نظامی، و گروه صلح "اش اعمال می‌کند. این "گروه صلح" معمولاً در قلمرو عملیات عام و مشترک فعالیت میکند که برنامه‌های مبتنی بر عملیات دستجمعی در مناطق روستائی یا حومه شهرهاست؛ عملیاتی از قبیل ساختن راهها، ایجاد مدارس و سایر اقدامات مورد توجه عامه مردم.

وقتی که نظم عمومی بهم می‌خورد، سازمانهای امنیت در حالیکه بتوسعه و گسترش همه این عملیات مبادرت می‌ورزند؛ بسازماندهی منابع اطلاعاتی، پخش اعلامیه‌ها و عکسهای "آشوبگران" می‌پردازند، برای کسانی که آنها را "زنده یا مرده" تسلیم کنند، جوایزی در نظر می‌گیرند، و بکسانیکه سلاحهای خود را بزمین بگذارند، امان می‌دهند و از مجازات معاف می‌دارند.

## عملیات نظامی ( Action Militaire )

عملیات نظامی بطور اساسی بوسیله "نیزه دارها"، "شکارچی ها" (۱۱) ، "پا" کلاه سبزا" (۱۲) ، چریکهای واقعی - ضد چریکهای حرفه‌ای اعمال می‌شود. اینان دارای یک روحیه خوب جنگی هستند و از میان سربازان نخبه ، سربازان مزدور ( Mercenaires ) ، افسران ، و درجه داران انتخاب شده و همه تعلیمات "رنجر" دیده‌اند . (۱۴) ارتش ، جوخه عملیاتی کم تعداد خود را که در واقع دشوارترین وظایف نظامی ضد شورش را بمورد اجرا در می‌آورد ، ضد چریک می‌نامد . این افراد ، از مزایای یک حقوق ویژه ، ترفیع درجه برای هرچریکی که دستگیر یا از صحنه نبرد خارج کنند ، مسافرت با ایالات متحده و تعلیم و تمرین در پایگاههای این کشور برخوردارند .

عملیات نظامی شامل نکات زیر می‌باشد :

### ۱- تعیین محل و موضع کردن ( Localisation )

هر فرد بیگانه ، در یک منطقه بحرانی ، بویژه در روستا ، که حس کنجگامی را برانگیزد ، و حضور یک گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر، می‌تواند مورد سوء ظن قرار گیرد ؛ چریکها نیز می‌توانند بوسیله ماموران مخفی مستقر درها ، جاسوسان داوطلب یا افراد "گروه صلح" لو بروند .  
همینکه وجود واحدهای غیرمنظم اشکار شد ، نیروهای سرکوب ، تدابیر امنیتی چریکها ، سلاحهایشان ، تعداد آنها ، تحرك شان و غیره را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و می‌توانند از طریق زیر عمل کنند :

— عمیق تر کردن رخنه در آنها ،

— انجام عملیات شناسایی و عکس برداری هوایی ( از جمله بکار بردن دستگاههای فیلم برداری مادون قرمز که قادر است امواج اشعه های حرارتی ناشی از برافروختن آتش در هوای آزاد و بوسیله گروههای مستقر شده در جنگل را ضبط و منعکس کند ) بنحراه شناسایی از طریق نقشه برداری (از قبیل تعیین موضع و محل کردن ارد و گاهها و کوره راهها و غیره) ، در هنگامیکه اطلاعات اولیه تکمیل شده اند ،

— جستجوی تماس مستقیم از طریق حمله «فاصلگیر کننده» به محل تجمع چریکها .<sup>(۱۶)</sup>  
ولی قبل از اینکه این مطلب را ادامه دهیم ، لازمست بطور خلاصه یاد آور شویم که ارتش غیر از وسیله جاسوسان و خبرچینان خود ، از چه وسائل دیگری می تواند تعداد چریکهای را که در يك جبهه مبارزه می کنند ، بر آورد کند ؟ بر آوری که غالباً دقیق است و با واقعیت وفق می دهد . این وسائل عبارتند از :

— بوسیله تعداد نشانه ها و علامتهای برجا گذاشته شده ، و عرض کوره راهها ؛

— بوسیله مقدار تجهیزات برای (برپاداشتن) چادرها و آتش هیزمها ؛  
— از طریق مشاهده مستقیم ؛

— از طریق تعداد حیوانات ذبح شده (بوسیله چریکها ) از يك چراگاه ؛  
— از طریق مقدار آن وقته بچنگ آورده شده ( آن وقتهای که بچنگ ضد چریک می افتد ) ؛

— از طریق آزمایش تعداد و گنجایش سنگرهای بدست آمده پس از يك کمین ؛

— از طریق برآورد مقدار مدفوع کشف شده در يك منطقه تجمع چریکها .



۴- تعماس مستقیم ( Contant Direct ) (۱۶) - وقتیکه محصل تجمع چریکها مشخص شد و حضورش در يك منطقه شناخته گردید ، نظامیها ضد شورش یا ضد چریک با در نظر گرفتن تدابیر خاص امنیتی (( از قبیل ایجاد پاسگاههای بیش از پیش نزد يك بمحل، برگماردن گشتیها و نگهبانها و توجه به عامل تحرك )) ، به برقراری تعماس مستقیم مبادرت می ورزند ، و سعی می کنند که حمله بمحل تجمع چریکها بنحوی صورت گیرد که با اولین ساعات روز مقارن باشد . در شرایط مطلوب (( توقف طولانی ، حتی کوتاه مدت چریکها در محلی که در میان گیاهان کم محصور باشد و غیره )) ، ضد چریکها می توانند یورشهای بی سرو صدائی را بمورد اجراء در آورند ، بی آنکه پرواز هلیکوپترها اثر حمله غافلگیرانه را بهم بزند ، و بدینوسیله خواهند توانست گروههای چریکی را محاصره کنند . جوخه های متعدد ی مجهز بدستگاههای گیرنده و فرستنده ، نقاط مرتفع اطراف را ، برای بستن راههای فرار ممکن ( در آنجا شبکه کمینها را بر پا خواهند کرد ) اشغال می کنند ، در حالیکه واحدهای دیگر مسئولیت "جاده صاف کنی" و شکار چریکها را بعهده می گیرند . ولی وقتیکه چریکها در حرکت و جنبش مداومند ، و برای محافظت از خود ، خواه در جنگلهای پوشیده یا در کوهستان ، مداوم تغییر محل می دهند ، دشمن معمولاً خود را ناچار می بیند که بجای یورش فوری ، بعملیات دسته <sup>نهی</sup> مرکب از شصت ضد چریک قناعت ورزد ؛ وظیفه این دسته این خواهد بود که جای پاها یا کوره راههایی را که چریکها بر جا گذاشته اند ، آنقدر در دنبال کنند تا تمامین مستقیم بر قرار گردد .

در اینحال ، موارد زیر می تواند پیش آید :

- ارتش در يك تله یا کمین گرفتار می شود ؛

گشتی ها و نگهبانان چریکها، حضور ارتشها را اعلام می کنند ، ولسی چریکها که مقدمات کمین را فراهم نکرد هاند یا اینکه بخاطر جمع آوری تجهیزات و وسائل که در محل تجمع پراکنده است وقت خود را هدر داده اند ، این فرصت را از دست می دهند و با شتاب بعقب نشینی می پردازند ؛

در سیمده دم ، دسته ارتش که از روی جای پاهای چریکها را دنبال کرده است بحدود پانصد متری اردوگاه موقتی آنها می رسد و در اینجا بدسته کوچکی تقسیم میشود ؛ يك دسته اردوگاه را احاطه می کند و دو یا سه سرباز در مقابل هر يك از راههای فرار ممکن در حالت کمین باقی می ماندند ؛ دسته دیگر بدستگیری یا کشتن نگهبانان و گشتی ها مشغول می شوند و بطور ناگهانی و با سلاحهای خودکار و نارنجک باروگاه حمله می کند . در این حالت ، اگر چریکها موفق نشوند که از هم جدا شوند ، یا اینکه مرتکب اشتباه شده و بخواهند در حفظ مواضع اردوگاهشان سماجت بخرج دهند ، ثابت نگه داشته می شوند ، و به ضد چریک هدفی مشخص و فرصت حمله متمرکزی را عرضه می کنند . این خطر محاربه ، در تمام مدت عقب نشینی و حتی ساعتها بعد از آن وجود دارد . بویژه در زمینها نیکه چریکها با آنها آشنائی کامل ندارند ، و در اطرافشان ارتفاعات و محوطه های وسیع رویاز وجود دارد ، و در اینحال ، به احتمال قوی ، راههای گریز آنها پیشاپیش بوسیله ضد چریک اشغال شده است .

واحد های ارتشی ، که همچنان بحالت کمین باقی مانده و راههای فرار احتمالی را کنترل کرده بودند ، موفق می شوند که جنگ چریکی را در محل بحال ثابت نگه دارند ، و عملیات محاصره را بمورد اجراء در آورند ؛ عملیاتی که موفقیت آن برای ارتش ( بطوریکه در فوق گوشزد کرده ایم )

مستقیماً بستگی دارد: به نسبت عدم تحرک چریکها و آشنائی نادرست و نا کافی آنها از موقعیت جغرافیائی منطقه .

شبهای مهتابی ، در محللهای کم گیاه ، ارتش پس از بدست آوردن جای پای چریکها، معمولاً تماس مستقیم را بدو شکل زیر برقرار می کند :

۱- راه پیمائی بقصد نزدیک شدن تا همسایگی اردوگاه چریکها؛ و در اینجا، ارتش اردوگاه خاص خود را برپا می کند .

۲- راه پیمائی بقصد انجام عملیات نهائی ، برای محاصره و اشغال محل تجمع چریکها بین ساعات پنج و نیم و هفت و نیم صبح ، البته پس از اینکه خود را از شرگشتی ها و نگهبانان چریکها خلاص کند .

وقتی که چریکها جای پاها و نشانه های خود را محو می کنند (کاریکه بویزه هنگامیکه تعدادشان زیاد باشد ، و زمین مساعد و مناسب نباشد ، بسیار دشوار است) ارتش ناگهان موقعیت قبل از تماس را از دست می دهد . در اینحال با حفظ خود در محل از دست دادن ردپسا، بسرویسهای مخفی شهری و روستائی خود اعلام خطر می دهد ، و در همان حال واحدهائی مجهز بسگها و گروههای مامور گشت و مراقبت و تحقیق را باطراف اعزام می دارد . یا اینکه هلیکوپترها و هواپیماهای خود را برای مضطرب کردن چریکها و برهم زدن نظم و ترتیب آنها و مجبور بتغییر محل دادن نشان و در نتیجه بی بردن به محل و موضع آنها بفعالیت وامیدارد . پرواز مرتب هواپیماها و هلیکوپترها در سپیددم و اوائل صبح ، بمنظور دریافت و ضبط آتش هیزمهایست که چریکها خاموش کردن آنها را فراموش کرده اند ، و یا بخاطر اینست که آنها را که در يك فضای روباز در حال حرکت هستند ، فالتگیر کنند .

۳- بستوه آوردن یا زله کردن . همینکه عملیات تعیین موضع و محل ، و

بعد تماس مستقیم بعمل آمد، محور تاکتیکی، پایه اساسی شیوه رنجری یعنی بستوه آوردن یا ناله کردن (از طریق حملات مکرر و مداوم) آغاز می شود. و آن عبارتست از یک جاده صاف کنی منظم و بی وقفه که بین آن نیروهای ضد چریک، موقعیت قبل از تماس دائمی را فراهم می کنند، بی آنکه نیروهای چریکی را یک لحظه راحت و در امان بگذارند. این شیوه تاکتیکی، همواره بگروهی از نیروهای ضد چریکی مرکب از ۴۰ تا ۸۰ نفر واگذار می گردد که موظف هستند چریکها را بستوه در آورند و با تعقیب معبر یا هر نشانۀ گذرگاهشان، لا ینقطع و قدم بقدم آنها را دنبال کنند. در امریکای لاتین، این شیوه تحت شکلهای از صافی گذشته و خالص آن، در حال حاضر در کلمبیا (حتی در ونزوئلا و گواتمالا) مورد عمل است که در آن بطور اساسی بروی نیروی هوائی تکیه می شود؛ ولی در دو کشور اخیرالذکر غالباً بستوه آوردن (از طریق حملات مکرر و مداوم - از راه زمینی) بتناوب صورت می گیرد. عقیده بسیاری (از تئوریسینهای ضد چریکی) بر اینست که این شیوه را بطور جزئی و با عمق کمتر میتوان جایگزین مشاهدات و بررسی های هوائی نمود.

بعوازت این عمل بستوه آوردن یا ناله کردن، جوخه های دیگر از سرباز - خانه ها (ی اشباع کننده) یا پایگاههای نقطه عزیمت<sup>(۱۱۷)</sup>، با انداختن روشنائی نورافکنها، در امتداد زودخانه ها و جویبارها، منطقه ای را که برای آنها معین شده است، مورد مراقبت قرار می دهند. ضد چریک همچنین عادت دارد که در کوره راهها، در محلهایی که چریکها جای پا یا نشانه فسی باقی گذاشته اند، کمین یا تله هایی برپا کند. هیچ زمینی، چه با شیب تند و سنگلاخی، چه دارای گیاهان خار دار و چه دور دست، از این تعقیب و مراقبت که در واقع بیرق نیروهای ضد چریک بشمار می رود، در

امان نیست: «(راهزنها» هر جا بروند، نیروهای ارتش پر افتخار مسلمانان بدنبالشان خواهند رفت» (۱۸)

در واقع نیروهای ضد چریک، مانند چریکها عمل می‌کنند، بعلاوه از یک حمایت لژیستیک عالی برخوردار هستند، و برخلاف چریکها از خستگی مداوم و تجدید قوا نکردن رنج نمی‌برند، زیرا همینکه ضربه روحی ناشی از گیر افتادن در کمین را تحمل کردند، نیروهای تازه نفس جایشان را اشغال می‌کنند؛ البته بلائی که بسر نیروهای قبلی آمده برای این نیروها تازه نفس نقل نمی‌کنند (در مورد افسران استثنا قائل می‌شوند و آنها را در جریان حوادث قبلی قرار می‌دهند) و این نیروهای سر حال و تازه نفس، بلافاصله فعالیت نیروهای قبلی را دنبال می‌کنند.

استعمال و اجرای محور تاکتیکی نیروهای ضد چریک (موقعیت قبل از تماس دائمی، یا بستن و آوردن و زدن کردن از طریق حملات مکرر و مداوم که وسیله ایست برای یک جاده صاف کنی بی وقفه و لاینقطع) بطور اساسی هدفهای استراتژیکی زیر را دنبال می‌کند:

— آشنائی لحظه بلحظه در زمینه جهت‌ی که نیروهای غیر منظم در پییش می‌گیرند،

— اعلام خطر دادن بواحدهائیکه از ارتش حمایت می‌کنند؛ با اشغال دهات و دهکوره‌هائیکه در سر راه تقریبی چریکها قرار دارند، مانع از آن شوند که ماهی در آب ملت‌شنا کند، یعنی چریکها نتوانند برای خود آذوقه و خوار و بار تهیه کنند، و یا بعضوگیری جدید بپردازند،

— امکان هرگونه حمله و پورش را از آنها سلب کنند، مانع از آن شوند که جیبه‌های مسلح بتوانند برای حفظ امکان پیوستن

جنگ ممتد و درازمدت، به استقراریا یگانه‌های عملیاتی مورد نیاز مبادرت ورزند،  
— از هرگونه اوضاع و احوال یا اشتباه استفاده کنند تا چریکها را غافلگیر  
کرده و بمحل تجمع آنها یورش برند،

— چریکها را بطرف محلهائی سوق دهند که از قبل بوسیله نیروهای ضد  
چریک در حال کمین، اشغال شده است، و در نتیجه آنها را در ایمن  
محلهای ثابت نگه دارند و محاصره شان کنند،

— جبهه های چریکی را بمحلهائی دور از زندگی اجتماعی و سیاسی پرت  
کنند، و باین انزوا، اثرات تبلیغاتی مسلحانه آنها را بحد اقل ممکن  
برسانند،

— چریکها را وادار سازند که انرژی جسمانی خود را بطور دائم مصرف  
کنند، بی آنکه فرصت رفع خستگی و تجدید قوا را داشته باشند و در نتیجه  
هدفشان گرسنه نگه داشتن، از پای در آوردن، کوفته کردن، و از  
بین بردن روحیه چریکها، و بالاخره مجبور نمودن شان به ول کردن زندگی  
چریکیست. از این لحظه ببعد است که ضد شورش مزیتی را که بمشابهت  
میراث چریکها تلقی میشد، از آن خود می‌کند، یعنی مزیت حریم ناله  
کردن و بستوه آوردن را؛ و در ضمن، محاصره استراتژیکی و عمل اشباع  
(Saturation) را بآن اضافه می‌کند.

و قتیکه چریکها مورد هدف ناله کردن و بستوه آوردن داعی قرار دارند،  
معنایش اینست که دشمن حدوداً جهت و گذرگاه آنها را می‌شناسد، و  
برای اینکه جلو حرکتشان را بگیرد، در یک نقطه کوره راه یا مسیر پیش  
بینی شده، بویژه در یک مکان مساعد ((در صورتیکه چریکها چند روز متوالی  
در یک جهت معین پیشروی کنند)) آنها را مورد حمله قرار می‌دهد.  
ارتش در یک کمین بدام می‌افتد — همانطوریکه در غالب اوقات، در یک

کمین نا کامل ، یا بمنظور تخفیف فشار برنامه بستوه آوردن و ناله کردن رخ می دهد ، متصدی مخابرات که در ستون عقب جبهه قرار دارد ، بمحض وقوع تماس مستقیم ، با پاسگاه اشباع کننده ، یا نزد يك ترین سربازخانه ها ، و بابایکی از هلیکوپترها تماس برقرار می کند ( و هلیکوپتر نیز بنوبه خسود خبر را با تیپ مرکز شهری که عملیات در منطقه مورد عمل آن جریان دارد ، در میان می گذارد ) . پس از سپری شدن پنج دقیقه اول ، و محو شدن اثرات غافلگیری ، سربازانیکه خارج از میدان عمل قرار دارند ( بطور کلی سربازانیکه در ستون یا عقبدار جبهه هستند ) سعی می کنند که بخسود بپایند ، و از منطقه خطر دور شوند ؛ و در عین حال ، با تمام قدرت و با شدت هرچه بیشتر ، بطرف محل های سرپوشیده ، در آنجا تیکه تصور می کنند چریکها مخفی شده اند ، تیر اندازی می کنند . در همین وقت ، بارانی از بد زبانی و وقاحت ، دشنام و ناسزا ، هل من مبارز طلبی و مزه پرانیست که از طرف افسران و درجه داران سرازیر می شود : " ضد چریک ، بپیش ! این مادر جنده ها آدم نیستند " و غیره . . . و تیکه چریکها بد شنامها و هل من مبارز طلبی ها پاسخ می دهند ، صحنه يك حالست تراژدی - کمدی را بخود می گیرد .

و تیکه ضد چریکها در يك کمین بدام می افتند ، افسران و درجه داران معمولاً به صدور يك مشت فرمانهای الکی و فریب دهنده مبادرت می ورزند : " از جناح راست به پیش ! " " از جناح چپ بپیش ! " آنها محاصره شده اند ؛ ولی درست در همین لحظات است که سربازان از اجرای دستور آنها خود داری می کنند . وقتی يك تعداد از سربازانیکه سعی کرده بسودند پیشروی کنند ، نقش زمین می شوند و از پای در می آیند ، دیگران از پیشروی خود داری می کنند و سر جای خود باقی می مانند و در همین حال ،

بطرف شاخه‌های درختان و هر شیئی که بچسبد، تیر اندازی می‌کنند. از نظر تاکتیکی، درست اینست که آنها چریک‌هایی را که کمین کرده‌اند از جناح‌ها و عقب سر جبهه مورد حمله قرار دهند، ولی از آنجائیکه بندرت قادرند که با سرعت لازم خونسردی خود را بدست آورند؛ و از طرف دیگر، چریک‌ها علاوه بر مزیت حربه غافلگیری، محل کمین را ((که در ظرف چند دقیقه بگستردن آن تصمیم گرفته‌اند)) بخوبی می‌شناسند، در نتیجه، عملیات تیر اندازی‌های الکی و مانورها فقط توی جزوه‌های نظامی دارای ارزش است (و نتیجه عملی آن در شرایط مشابه، در حکم هیچ می‌باشد - م).  
اما در مورد فریاد کشیدن‌ها و دشنام دادن‌ها، ضد چریک، هدف‌های تاکتیکی زیر را تعقیب می‌کند:

- از نظر روانی، چریک‌ها را تحت تاثیر قرار دهد،
  - چریک‌ها را وادار کند که با پاسخ دادن باین فریاد‌ها و دشنام‌ها، محل برقراری مواضع خود را (هر چند که تقریبی باشد) بر ملا کنند،
  - با صدور فرمان‌های ساختگی والکی، چریک‌ها را سرگردان و گمراه کرده و در نتیجه آنها را مجبور به عقب نشینی کند.
- در اینوقت هلیکوپترها شروع می‌کنند تا آنجا که بتوانند به پیاده کردن گروه‌ها، تا راه عقب نشینی چریک‌ها را قطع کنند. معمولاً هلیکوپترها در گرماگرم نبرد، جرات نمی‌کنند که بمیدان نبرد نزدیک شوند. فقط موقعی که تصور می‌کنند که عقب نشینی چریک‌ها قطعی است، فرود می‌آیند. اول برای جمع آوری زخمی‌ها و بعد برای جمع آوری مرده‌ها. سپس برای تضمین ادامه عطیات بسته آورده و ناله کردن، بیابان کردن نیروهای جدید مبادرت می‌ورزند.
- بعد ((معمولاً پس از سه روز)) ارتش با احتیاط کامل بتعقیب شکار خود



ادامه می‌دهد. با افرادی کاملاً جدا از هم و با فاصله (هر يك با فاصله از ۶ تا ۸ متر بدنبال دیگری))، پیشقراولان (ضد چریک) معمولاً مرکب از ۶ نفرند که از بقیه ستون جدا و با حدود ۱۰۰ متر فاصله حرکت می‌کنند. در صورتیکه ارتش با سازماندهی و کارایی خوب بتواند وجود يك گروه کاملاً مسلح و خوب رهبری شده چریکی را بر آورد کند، در اینصورت اگر کمین (چریکها) در بعد از ظهر صورت گرفته باشد، پیشروی ارتش ۶ ساعت یا بیشتر بتأخیر می‌افتد.

در سینه دم روز بعد، بمب افکنها با هدایت هلیکوپترها بمباران کردن انبوهترین و پردرخت‌ترین مناطق و یا محلهایی که بگمان آنها چریکها در حال عقب نشینی ناچارند از آنجا صور کنند، می‌پردازند. سپس بمباران کردن آنها گسترش می‌یابد. در همین حال، گروههای ضد چریک در امتداد کوره راهیکه چریکها از خود باقی گذاشته‌اند پیشروی ادامه می‌دهند تا برنامه زلزله کردن و بستن آوردن را از نو بدنبال کنند. در این مورد، ما تمام مواردیکه وارد زمینهای ناشناس می‌شوند، برای حفاظت از جان پیش-قراولان خود، از راهنمایان روستایی (داوطلب یا مجبور شده) استفاده می‌کنند. این راهنمایان با ۳ متر فاصله در جلوی پیشقراولان حرکت می‌کنند. و سگهای پلیسی مؤظفند که بقدرت شامه خود، لکه‌های خون یا چریکهای مخفی شده را پیدا کنند. در صورت درگیری، راهنما اولین کسیست که از پای در می‌آید، و پس از آنست که گروه پیشقراول ضد چریک با یرت کردن خود بروی زمین، عکس العمل نشان می‌دهد. (۶۰)

کشف کمین - وقتیکه سرو صداها و خش خش گامهای یکی از گشتی‌های چریکها، یا روشنایی نور افکنهای ضد چریک، وجود يك گروه چریکی را آشکار می‌کند، این یقین پیش می‌آید که در آن حوالی دامی برای ضد چریک

فراهم شده است . در اینحال ضد چریک می‌کوشد که محل کمین را محاصر کند. سربازان راه پیمائی خود را متوقف می‌کنند ، بسرعت خود را جمع و جور می‌کنند ، وبحالت کاملاً بیحرکت باقی می‌مانند ؛ در همین حال می‌کوشند که با پاسگاه فرماندهی خود تماس برقرار کنند . سپس واحد هائیکه از طریق هوا بمحل منتقل شده‌اند ، نقاط مرتفع قابل عبور و نزدیکترین فضاها را از اطراف را اشغال می‌کنند ؛ و از همین نقاط است که عملیات محاصره خود را بمورد اجرا در می‌آورند . پس از رفت و آمد های متعدد ، هلیکوپترها از محل دور می‌شوند ؛ در حالیکه ضد چریکها با احتیاط های فراوان به پیشروی خود ادامه می‌دهند ، یک راهنما و در صورت عدم دسترسی بآن ، یکی از سربازان را با ۶۰ متر فاصله با پیشقراولان ، بجلو اعزام می‌دارند ، یا در حالیکه از کورمراهها یا جای پاهای دور می‌شوند ، یکدسته از آنها برای نمایش دادن حضور خود در جنگل ، بالا و پائین می‌روند ؛ باین قصد که با حمله کردن از عقب ، چریکها را سر پستهای نگهبانی خود غافلگیر کنند . در همین فاصله ، دسته‌های دیگر ، در جهات دیگر ، همین کار را تکرار می‌کنند ؛ در حالیکه گروههای کمکی ، نیروهای خود را برای تحقق پذیر کردن محاصره مصروف می‌دارند ، در صورتیکه موقعیت محل ، انجام این عملیات را اجازه ندهد ؛ ضد چریک با پیمودن همان کوره راه بجای اول خود بر می‌گردد و تقاضا می‌کند که نیروی هوائی محل را بمباران کند . حیللهای دیگر — ضد چریک همینکه محل را کشف کرد ، دوان دوان فرود می‌آید و در همان حال شلیک می‌کند ، تا چریکهای که آنها را تعقیب می‌کنند ، بدام ضد کمینی بیفتند که عقیدار گروه ضد چریک فراهم کرده است . ضد چریک بهر ترتیبی شده سعی می‌کند که موقعیت قبل از تماس دائمی را حفظ کند ؛ در عین حال ، بطور خستگی ناپذیری سعی می‌کند کسسه

نیروهای غیر منظم را از امتداد کوهها (( با تعقیب جای پاهایشان که محو آنها بویژه در زمینهای گل آلود ، یا پوشیده از گیاهان غیر مقاوم کاری بسیار دشوار است)) به بیرون برانند . چراگاهها ، مزارع جو و قهوه ، رودخانهها و جادهها همچنین بارانهای شدید ، بر عکس می توانند به چریکها در محو کردن جای پاها و نشانه ها یاری دهند .

تکوین محور تاکتیکی ضد چریک در شیوه نله کردن و بستن آوردن ، امکان ایجاد هر گونه مواضع ثابت از قبیل بر پا داشتن اردوگاهها ، پایگاهها و ایجاد مناطق دفاع از خود را ، برای چریکها غیر ممکن می سازد ؛ مواضعی که بکمک آنها چریکها می توانند مأموریت خود های ، استراحت کردن ، تمرین کردن ، برای خود آذوقه تهیه کردن و حتی از این مواضع دفاع کردن را فراهم کنند .

این نکته را بهیچوجه نباید فراموش کرد ؛ وقتیکه ضد چریک اطمینان می یابد که موقعیت تماس مستقیم فراهم است ، برای خافلگیر کردن چریکها ، سکوت عمیقی بوجود می آورد ؛ نه پرواز هلیکوپترها و نه غرش بمبهای ویرانگر هواپیماها .

۴ - محاصره استراتژیکی . تمام دهکده ها و دهکوره های همجوار منطقه ای که در آن جنگ چریکی جریان دارد ، باضافه کلیه دهکده ها و دهکوره های نزدیک بمنطقه عملیاتی ، از طریق نظامی اشغال می شوند و یا پاسگاههایی در آنها مستقر می گردد . در مناطق متلاطم ، چهره های جدیدی بچشم می خورد ؛ واکسی ها ، فروشندگان بلیطهای بخت آزمایی ملی ، دستفروشها ، عکاسها و غیره . تمام راههای ورودی این مناطق بسته می شود و این را اصطلاحاً "چفت و بست گذاشتن" می گویند . مأموران مخفی ، اتوبوسها و قطارهایی را که از مناطق جنگی می گذرند ،

کنترل می‌کنند. و بموازات آن، تدابیر دیگری از قبیل جیره بندی خواروبار، تفتیش منازل، و ارسای هویت اشخاص و ثبت شماره ماشینها بشدت و با قدرت انجام می‌گیرد. اشخاص فریبه، بطور استثناء ناپذیر مورد بازجویی قرار می‌گیرند و بعنوان تدابیر احتیاطی زندانی می‌شوند. و در مناطق روستائی بر اساس مصوبه‌ای که بتصویب می‌رسد، دستور داده می‌شود هر کس که بین ساعت ۶ بعد از ظهر و ۵ صبح مشاهده شد، مورد هدف قرار گیرد. وظیفه این کار، بان دسته از افراد ارتش واگذار می‌گردد که تعلیمات نظامی کثرتی دیده‌اند؛ ولی سرویسی که این افراد را رهبری می‌کند، در کار خود بینهایت مهارت دارد.

فرماندهی محاصره استراتژیکی و پایگاه تیپ انتخاب شده برای این عملیات، در یکی از شهرها و یا یکی از حومه‌های مهم اطراف منطقه‌ئی که در آن جنگ چریکی جریان دارد، مستقر می‌شود.

۵- عمل اشباع کردن (Saturation) - این شیوه مبتنی بر بنا کردن پاسگاههای کوچک نظامی حمایت و مراقبت است (عمل اشباع کردن را پایگاههای نقطه عزیمت نیز می‌نامند)؛ و تعداد افراد هر پاسگاه بین ۴ تا ۶ نفر است که در داخل منطقه عملیات بگشت و مراقبت می‌پردازند. این پاسگاهها که در نقاط مرتفع بنا می‌شود، دارای یک میدان دید وسیع می‌باشند و بطور دائم زمینهای پوشیده، دهکوره‌ها، جاده‌های بزرگ، راهها، چمنزارها و غیره را مورد مراقبت قرار می‌دهند. ضد چریک، در زمینهای مسطح می‌تواند از برجهای مراقبت استفاده کند. در بین پاسگاههای آن که معمولاً از هم جدا هستند و هر یک از دیگری در حدود ۴ ساعت راه پیمائی فاصله دارد، علاوه بر تماس رادیوئی - رفت و آمد گشتی‌ها نیز صورت می‌گیرد.

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند HTM PDF کوتاه HTM PDF

آخرین همسفر (منتخب اشعار) HTM PDF

نوشته های سیاسی نوشته های پراکنده (ترجمه ها) عکسها

